

مطلع العلوم و مجمع الفنون

گشت و گذار در هند پرداخت. در سفرهایش با اینکه حمایت پدر را بر سر نداشت، شوق تحصیل علم و هنر موجب بهره‌گیری وی از علوم گوناگون شد. واجدعلی خان شعر نیز می‌سرود و در اشعارش "واجد" تخلص می‌کرد. بنا به گفته خودش مشاهده افول آموزش نوآموزان در دبستان‌های فارسی زبان باعث رنج و محنت وی شد برای رفع این نقیصه تصمیم به نگارش کتابی گرفت تا پس از مرگ نیز نام او را زنده نگهدارد، از این رو این کتاب را در دو

مطلع العلوم و مجمع الفنون [چاپ سنگی]
واجدعلی هوگلوی. - کانپور: به اهتمام منشی بهگواندیال، ۱۳۰۶ ق. = ۱۸۸۹ م. (کانپور: مطبع منشی نولکشور) مصور ۴۳۹ ص (نسخه شماره ۱۰۲۹۴ کتابخانه ملی ایران).

حکیم واجدعلی خان هوگلوی (زنده در ۱۳۰۸ ق) کتاب مطلع العلوم و مجمع الفنون را در سال ۱۲۶۲ ق. / ۱۸۴۶ م. در دو دفتر به پایان رساند. وی بر اساس آنچه خود در مقدمه کتاب می‌گوید پرورده نعمت حاکمان، و پزشک و نویسنده فارسی‌نویس شبه قاره هند و از مردم هوگلی (محلی در نزدیکی کلکته) است. پدرش از آغاز جوانی به مدت بیست و پنج سال، تازمان حیات نواب‌خان به خدمت دارالانشاء مشغول بود. پس از مرگ نواب به دلیل تفرقه و پریشانی در میان ملازمان نواب مرتبت سابق خود را از دست داد و از اوج به پایین سقوط کرد و به خدمت انگلیسی‌ها پرداخت. وی به تعلیم و تربیت فرزندش علاقه زیادی داشت و به برکت این تلاش، واجدعلی در دوازده سالگی خواندن و نوشتن زبان فارسی را به نیکی آموخت و به بسیاری از کتاب‌های درسی فارسی چون گلستان، اخلاق المحسنین، کلیله و دمنه و معدن الجواهر و ابواب الجنان و بعضی کتاب‌های شعر مانند بوستان، یوسف و زلیخا، اسکندرنامه، دیوان آصفی و نیز علوم صرف و نحو تسلط پیدا کرد. در پانزده سالگی به





دفتر نگاشت و آن را به صورت یادگاری برای همه فارسی‌زبانان بر جای گذاشت.

مؤلف در ابتدای کتاب پس از حمد و ثنای پروردگار و نعت حضرت ختم المرسلین، مختصری در بیان احوال خویش و انگیزه تألیف کتاب آورده است. سپس مطلع العلوم را در ۳۷ باب همراه با فصول متعدد در دانش‌های رایج روزگار تدوین کرده است.

عناوین ابواب این دفتر از این قرار است:

۱. بیان حروف تهجی و تصریف مصادر فارسی؛
۲. ضرب‌المثل‌های فارسی؛ ۳. در پند و نصیحت و اقوال حکما و حکایت‌های غریب از جمله از امیرالمؤمنین، از حکیم سقراط: از بوعلی سینا، حکیم سولون و مانند آن (در یکی از آن پندها با نام نکته آمده است: راحت دنیا چون روشنی برق بی ثبات است و محنتش چون تاریکی ابر بی بقا، نه به فواید نعمتش الفت باید گرفت و نه از شداید آلمش اندوه باید خورد)؛ ۴. لطایف و ظرایف و مطالبی در مزاح؛ ۵. علم فراست و قیافه‌شناسی: مؤلف در این بخش اعتقاد دارد که از قیافه اشخاص می‌توان بر عیوب آنها مطلع شد. فلاسفه و حکما جوارح و اعضای بدن انسانی را واسطه ادراک اخلاق پسندیده و صفات نکوهیده دانستند، علائم هر عضوی از اعضای بدن انسان چون موی: سر، چشم، انگشتان، قامت و نظایر آن نشانی است بر صفات درونی شخص؛ ۶. علم تاریخ و سیر: در این

باب مؤلف نگاهی گذرا بر مطالب ذیل دارد: بیان ظهور آفرینش و احوال بعضی انبیا، ذکر پیدایش آدم صلی الله تا بعثت حضرت خاتم النبیین (ص)، احوال سلوک ایران از عهد کیومرث تا سلطنت ساسانیان، بیان سلاطین عرب و عجم از جمله بنی امیه، عباسیه، بنی صفار، ذکر سلاطین آن سامان و سلاجقه، بیان نسب حضرت محمد (ص)، احوال برخی اولیای کرام و سلسله عالیه آن، همچون نجم‌الدین کبری، محیی‌الدین عربی، حسن بصری و دیگران، ذکر برخی حکما و فلاسفه چون لقمان، اقلیدس، بطلیموس و دیگران؛ ۷. علم اخلاق و فضایل آن؛ ۸. تحریر و مکاتبات و عرضه داشت اسناد؛ ۹. کنایات و اصطلاحات فارسی؛ ۱۰. علم معانی؛ ۱۱. بیان؛ ۱۲. بدیع؛ ۱۳. علم عروض؛ ۱۴. قوافی؛ ۱۵. عقاید؛ ۱۶. فقه؛ ۱۷. تفسیر؛ ۱۸. علم حدیث؛ ۱۹. علم طریقت یا بیان احوال و اعمال سالک و چگونگی تزکیه نفس؛ ۲۰. علم طب: در تشریح اعضای بدن انسان، شناخت امراض و علامات آن؛ ۲۱. جغرافیا: در مطالعه احوال ممالک و شرایط اقلیمی آنها؛ ۲۲. حساب؛ ۲۳. هندسه؛ ۲۴. هئیت: در بیان شکل زمین، اصطلاحات این علم، نظام شمسی و کواکب؛ ۲۵. جرتقیل و توضیحات آن به صورت مصور؛ ۲۶. علم موسیقی؛ ۲۷. حکمت طبیعیات: در بررسی عناصر چهارگانه، حقیقت جسم، جوهر، عرض و نظایر آن؛ ۲۸. علم منطق؛ ۲۹. مناظره؛ ۳۰. احکام نجوم:



مشمول بر مسائل گوناگون همچون طالع وقت، کواکب، بروج، منازل قمر و نظایر آن؛ ۳۱. علم رمل؛ ۳۲. جفر؛ ۳۳. کیمیا، شرح اصطلاحات و اقسام آن؛ ۳۴. لیمیا؛ در علم به اسما و طلسم‌هایی که با عمل به آن افعال عجیب و آثار غریب ظاهر شود؛ ۳۵. هیمیا؛ علم تسخیرات و آن مسخر ساختن قوای سیارگان و ملائم گردانیدن جنات است؛ ۳۶. سیمیا؛ خیالاتی است که به سبب بعضی اعمال، تصرف در قوت متخیله حاضران کند؛ ۳۷. ریمیا؛ یا نرنجات و شعبدات که اهل آن قوای جوهر ارضی را با یکدیگر امتزاج دهند و از آن فعل و اثری عجیب و غریب ظاهر شود.

پس از آن مؤلف دفتر دوم یا مجمع الفنون را فراهم آورده است. این دفتر مختصری در بیان هنرهای رایج روزگار مشتمل بر ۴ باب و فصول متعدد و هر فصل نیز دارای چندین اصل است.

باب اول در بیان، فنون اعلی؛ که فصول آن بدین ترتیب است:

تعبیر خواب، بیان فن بیطاران اسب، ملاعبت (بازی شطرنج و اصطلاحات آن)، فن جوهریان، مطبخیان و دستور پخت چند نوع غذا، جراحی و تشریح اعضای بدن، کخالی (تشریح طبقات مختلف چشم، بیماری‌ها و علاج آن)، قابلگی زنان، و فیلبانی، فن معلمان در سه اصل ۱. فضیلت علم؛ ۲. فضایل عالم؛ ۳. شرایط و آداب تعلیم و تعلم، ادیبان و اتالیقان (ادب‌آموزان)، قاریان، خطاطان، چابک‌سواران، کاشتکاران، فن طبع، فن ارباب رزم و اهل میدان، مصوران و نقاشان، تاجران، صرافان، پهلوانان، شاهدبازان (آداب مصاحبت و مجالست)، اهل سیاق و محاسبان با نمونه‌هایی از کاغذهای جمع و خرج و وصولیات، نیلگران، فن مهرکنی (مهرکنی فن شریف است و مهرکن را ضرور و ناگزیر است از اصول و قواعد انواع خطوط آگاه باشد)، زمینداران و پتواریان (حسابداران زمینداران).

باب دوم در بیان فنون اوسط مشتمل بر این فصول: در صنعت‌های عجیبه، حدادان، مدادسازان (گونه‌ای چراغ‌سازی)، زنگارسازان، ساختن شنجرف، زرگران، سنگتراشان، دوافروشان، صباغان، صابون‌گران، زری فروشان، آبداران، نیچه‌بندان، خطاطان، رنگسازان، طبق سازان، حلوائیان، اچار و مربافروشان (اچار چون سرکه،

عرق نعناع، برخی روغن‌ها)، نجاران، علاقه‌بندان، شناوران و غواصان، رفوگران، معماران، که نشان و تارکشان (فن له‌کشی عبارتست از تلمیع ورق طلا بر شلاق نقره)، کیمیاگران، نساجان، عطرسازان، مطربان، تنباکو فروشان، ساخت کاغذ، نعلبندان، قلعی‌گران، در ساختن مردار سنگ، صیقل‌گران، دلالان، زردوزان، ساختن نمک و شوره، شیشه‌گران، چهپایه‌سازان (که بر جامه‌ها نقش و نگار کنند)، مرصع‌سازان، پنیر‌سازان، حکاکان، ملمع‌سازان (لممع ساز بر مس و آهن و نقره، طلای خالص را تلمیع نماید)، باغبانان، حمامیان، جلدگران و



خوگیردوزان.

باب سوم در بیان فنون دنی در چند فصل:

در فن موتراشان، شتربانان، پهلبانان، سائیان (محافظت از اسب)، گازران (گازران جامه‌های بزرگان و دولتمندان را که صاف و پاکیزه است به صابون بشویند و مانند آن)، آبکشان، بازیگران، صیادان، قصابان، می‌کشان، فراشان، خدمتگذاران، چوپانان، گدایان، آهک‌پزان، تبرداران، مزدوران، ملاحان، مارگیران، دباغان، حمالان، گلخن افروزان، بهیاران، عصاران، رسن‌سازان، گورکنان، ساقیان، ندافان، نقالان، خاک‌روبان.

باب چهارم در فنون ادنی یا فنون شیطانی همچون: دزدی، قماربازی و رهنزی.

منابع

۱. آقا بزرگ طهرانی، محمدحسن. الذریعه الی تصانیف الشیعه. نجف: اسلامیه، ۱۳۹۰ ق. = ۱۹۷۰ م.
۲. دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره (هند، پاکستان، بنگلادش). به سرپرستی حسن انوشه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۵.
۳. مشار، خانبابا. فهرست کتاب‌های چاپی فارسی مشار. تهران: [بی نا]: ۱۳۵۳.
۴. منزوی، احمد. فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۴۰۳ ق. = ۱۳۶۲.
۵. نوشاهی، عارف. فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی کمیاب. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۴۰۶ ق. = ۱۳۶۵.

مهمناز ذیقیمت

انتهای کتاب قطعاتی از چند شاعر در وصف واجدعلی‌خان، همچون قطعه‌ای از منشی کالکاپرشاد صاحب موجد و نیز قطعه‌ای از مولوی محمد حامد علیخان حامد شاه‌آبادی مصحح مطبع آمده است. همچنین تقریضاتی از اشخاصی مانند مولوی محمد نسیم‌الله و محمد انور حسین پایان بخش کتاب است. این کتاب تاکنون چندین بار به چاپ رسیده است: اکره: ۱۸۲۶ م. = ۱۲۴۱ ق.، سنگی، رحلی، ۵۴۲ ص. اکبرآباد: ۱۲۵۲ ق. = ۱۸۳۶ م.، سنگی، مطبع زبده‌الآخبار.

اکبرآباد: ۱۲۵۴ ق. = ۱۸۳۸ م.، سنگی، مطبع زبده‌الآخبار (چاپ دوم).

هند: ۱۲۶۲ ق.، سنگی (با سیرالمتأخرین)

لکهنو: ۱۲۸۳ ق. = ۱۸۶۶ م.، سنگی، وزیری، ۵۴۷ ص.

لکهنو: ۱۲۸۳ ق.، سنگی، ۱۵۰ + ۱۶۷ ص (چاپ دوم)

کانپور: ۱۳۰۶ ق. = ۱۸۸۹ م.، سنگی، ۴۳۹ ص.

لکهنو: ۱۳۱۳ ق.، سنگی، ۴۴۰ ص.

لکهنو: ۱۳۳۱ ق. = ۱۹۱۲ م.، سنگی، رحلی، ۴۴۰ ص.

این کتاب در دست تصحیح و چاپ منقح است.

